

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



### لزوم بازنگری در حوزه‌های علمیه

انقلاب اسلامی علامت سؤالی است در مقابل تمام ارزشهای فرهنگی غرب و در حقیقت عکس العملی است در برابر جریانات فرهنگی و ساختار اقتصادی و سیاسی مبتنی بر آن. انقلاب اسلامی هویتی است فطری برای انسانهای مستضعفی که در چهار راه اندیشه‌های استکبار سرگردان مانده‌اند و نمی‌دانند به دنبال کدامین اندیشه بروند و چه جهتی را برگزینند.

حاملان انقلاب اسلامی بر این باورند که هویت اسلامی تنها ارزشی است که می‌تواند تار و پود وجود انسانها را ملامت از عشقی مقدس و بنیانی مستحکم نموده و هدفی درخور شأن آنان ارائه دهد. ولیکن آیا نهاد فرهنگی این خیزش اسلامی، در مقابل ارزشهای ساقط شده شرقی و معیارهای لرزان و توخالی غربی، موفق شده که با تمام وجود، ملاکات و خواسته‌های اسلام و قرآن را پیاده کند؟ و آیا حاملان و مسئولین اصلی فرهنگ انقلاب، آمادگی آن را دارند که با جدیت و قبل از به وجود آمدن یأس و سرخوردگی - که خود

مصیبتی بالاتر از بقای روشهای شیطانی غرب و غرب پرستان است - مشکلات فرهنگی را حل کنند؟ و اگر بخواهند این احتیاجات و مشکلات را رفع کنند آیا تنها ایمان و تقوای فردی کافی است؟

جایگاه حوزه - که امانت دار اندیشه نبوی و ولوی است - در دوران تولد دوباره اسلام و تقویت آوازه بانگ الله اکبر، باید جایگاه ویژه و درخور شأن اسلام ناب باشد. حوزویان بر این باورند که اسلام اصیل را باید فقط از این مراکز الهی فراگرفته و اخذ نمود و مراکز فرهنگی خارج از ابعاد حوزوی، چنین صلاحیتی ندارند. گویند که باید احکام خدا را از فقهای آگاه حوزه به دست آورد. باید تفسیر، حدیث، اخلاق، اقتصاد و... را از حوزه آموخت و به عبارتی جامعتر، فقط ملاک و شیوه‌های حوزوی در تبیین معارف اسلامی گویاتر و به حقیقت نزدیکتر است. ولی آیا این باورهای بلند، مسئولیتی سنگین به دنبال ندارد؟ و آیا ادای این مسئولیت خطیر جز با حاکمیت نظمی دقیق و برنامه‌ای منظم و روندی مترقیانه و دور از افراط و تفریطهای ناشی از تمرد و تحجر امکان پذیر هست؟

گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اگر جمهوری اسلامی امّ القرای جهان اسلام است، حوزه‌های علمیه نیز امّ القرای ایران اسلامی است. پس باید این امّ القرا در برنامه‌ریزی خود، سالم، در حیات خویش، موفق و در حرکتش نظم کامل داشته باشد تا مطابق ادعایش، معیار و الگوی نظم در دیگر مجامع و مراکز سیاسی - فرهنگی باشد.

هرچند که حوزه‌ها از جهت فرهنگی و فعالیتهای گوناگون خویش از امتیازات و مشخصات خاصی برخوردارند - که در

مجامع فرهنگی دیگر نمی‌توان آنها را یافت - ولی با توجه به مقتضیات زمان باید نظامی نوین و حرکتی تازه در حوزه‌ها جایگزین گردد.

ما در این مجال اندک و مقال کوتاه، تعدادی از پیشنهادات خود را برشمرده و توجه خوانندگان عزیز را به بیانات مقام معظم رهبری، در آغاز سال تحصیلی حوزه‌های علمیه که مسائل گوناگون حوزه را مورد توجه قرار داده و رهنمودهای ارزشمندی ارائه فرمودند - و زینت بخش این شماره از مجله است - جلب می‌کنیم:

۱ - اقدامات عملی مؤثر و سریع، و تلاش مضاعف از سوی دست اندرکاران تلاشگر و دلسوز حوزه در همه ابعاد رهنمودهای امام راحل - قده - و همچنین فرمایشات مقام معظم رهبری، در ساختار حوزه‌های علمیه صورت پذیرد.

۲ - کتب درسی اصلاح شده و در صورتی که قابل اصلاح نیست برای آنها جایگزین تهیه گردد و از آخرین روشهای آموزشی در کتابهای درسی بهره‌گیری شود.

۳ - نظام ارزشیابی علمی، بر پایه‌ای صحیح و استوار و مستقل از مراکز آموزش رسمی موجود، پایه‌گذاری شده و به عنوان نهادی مستقل در کنار دانشگاه، مدرک خاص خود را داشته باشد. این اندیشه که حوزه تابع مدارک دانشگاهی شود خبط و خطای محض است.

۴ - تخصصی شدن دروس را که دهها سال است اندیشمندان دلسوز مطرح کرده‌اند جامه عمل پوشیده و سرعت پیاده شود. آیا این همه غفلت بس نیست؟

۵ - دروسی همچون تفسیر، حدیث، اقتصاد، عقاید و... جزء دروس اصلی و رسمی حوزه باشند.

۶ - حوزه باید ضوابط خاص خود را از لحاظ اداری و بویژه پوشش لباس روحانیت داشته و بیش از آنچه هست بر مسائل درونی آن نظارت دقیق باشد.

۷ - وضع معاش فارغ التحصیلان حوزه بعد از اتمام تحصیل و شروع به خدمت در مناطق مختلف، مشخص شود.

۸ - از دیدگاه‌های طلاب جوان در تنظیم برنامه‌ها و اداره حوزه‌های علمیه بیشتر استفاده شده و نمایندگان طلاب نقش بیشتری در شورای مدیریت داشته باشند.

۹ - نشریه‌ای داخلی و بدون وابستگی به جناح‌های مختلف منتشر شود، تا ضمن منعکس کردن مسائل حوزه، وسیله ارتباطی بین همه روحانیون باشد.

۱۰ - آنچه بیش از اینها اهمیت دارد تبیین استراتژی آینده حوزه است. آیا قرار است حوزه، نهادی مستقل از دولت باشد یا وابسته؟ در هر صورت چه تضمینی وجود دارد تا راه خود را بشناسد و به اهداف مورد نظر برسد؟ امروزه ممکن است کسانی دولتی شدن آن را عیب بدانند و کسانی دیگر استدلال به ضرورت نظارت حکومت بر آن بکنند. آنچه مهم است این که باید پایداری حوزه را در برابر هر نفوذ اجتماعی که در آینده حوزه را در غیر مسیر واقعی‌اش بیندازد، تضمین کرد. حوزه و روحانیت شیعه همیشه متعلق به مردم مسلمان بوده و اکنون نیز به دلیل آنکه مسئولین نظام و دولت دقیقاً در خط اسلام هستند از آنها جانبداری کرده، پشتوانه قطعی آنهاست. اما آنچه اهمیت دارد پیش بینی شرایط و اوضاعی است که چه بسا زمانی ممکن است پدید آید. افتخار روحانیت شیعه به این استقلال است و نباید خدشه‌ای در آن وارد شود.